

۱۴۹۰ ۷۷۲

انسان شایسته در قرآن

(مستقین)

جلد اول

دکتر حسینعلی قاسم زاده

موسسه انتشاراتی مدحت

۱۳۹۶

سرشناسه	۲ قاسم‌زاده، حسینعلی، ۱۳۳۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: انسان‌های شایسته در قرآن / حسینعلی قاسم‌زاده.
مشخصات نشر	: تهران: مدحت، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۵ ص: ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
شابک	: 978-600-8373-32-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
داشت	: کتابنامه.
موضوع	: تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴
موضوع	: Qur'an -- Shiite hermeneutics -- 20th century
موضوع	: مومنان در قرآن
موضوع	: Believers in the Quran
رده بندی	: BP ۱۰۴ ۱۳۹۶ ق ۸۴۲/م
رده بندی دیویی	: ۱۵۹.۰۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۵۳۹۴۲۰



مؤسسه انتشاراتی مدحت

انسان شایسته در قرآن

دکتر حسینعلی قاسم‌زاده

ناشر: مؤسسه انتشاراتی مدحت

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۳۹۶ خورشیدی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۲-۳۲-۸۳۷۳-۶۰۰-۹۷۸

تهران - صندوق پستی: ۷۵۵-۱۱۱۵۵

پست الکترونیک: medhat.publication2020@gmail.com

فهرست مطالب

۹	مقدمه:
۱۲	انسان مثبت
۲۳	متقین
۲۸	ویژگی های متقین
۲۹	ایمان به غیب
۳۰	اعتقاد به ملائک و فرشتگان
۳۲	ایمان به وحی
۳۴	یقین به آخرت
۳۷	برپا دارنده نماز
۴۰	اهل انفاق
۵۱	الف) مایه زدودن گناه از انفاق کننده است.
۵۲	تسلط بر خشم و گذشت از مردم

- ۵۴..... اهل استغفار و عدم اصرار بر گناه
- ۵۸..... اهل هدایت و پند پذیرند.
- ۶۰..... بیداری و بصیرت در برابر شیاطین
- ۶۱..... آخرت گرایی
- ۶۴..... اخذ وحی و عمل به آن
- ۶۵..... برک داشتن شعائر الهی
- ۶۷..... عامل تحصیل تقوا
- ۶۹..... عبادت و بندگی حق
- ۷۰..... تأثیر قصاص از تحصیل تقوا
- ۷۱..... یاد قیامت و عذاب آن
- ۷۶..... تأثیر لبابت بر تحصیل تقوا
- ۷۸..... تأثیر انذار بر تقوای پیشگی
- ۷۹..... پیروی راه مستقیم الهی و اجتناب از راههای دیگر
- ۹۳..... آثار تقوا
- ۹۵..... عامل بازدارنده از گناه
- ۹۸..... مایه برخوردای از علم حضوری
- ۱۰۷..... مایه موفقیت در مقابل مشکلات
- ۱۰۸..... مایه گشایش رحمت و برکات حق
- ۱۱۱..... (ج) آیات دال بر رابطه کارهای بد با حوادث ناگوار
- ۱۱۲..... مایه نجات از جهنم
- ۱۱۵..... مایه پوشش عیوب باطنی
- ۱۲۱..... مایه معیت و همراهی خاص خداوند

- ۱۲۴..... مایه برتری در قیامت
- ۱۲۵..... عاقبت از آن پرهیزگاران
- ۱۲۹..... مایه رحمت خاص الهی
- ۱۳۲..... مایه جاودانگی دوستی
- ۱۳۳..... مایه زدودن گناه و ورود به بهشت
- ۱۳۷..... پاداش متقین
- ۱۵۵..... حین در خطبه همام
- ۱۶۳..... منابع

در انسانی به اقتضای ذاتش گریزان از شقاوت و بدبختی و خواستار سعادت و رستگاری است لذا در طول تاریخ هرگز دیده نشد مدعی هدایت و یوتی‌سی شیطان، اساس دعوتش را بر شقاوت و بدبختی گذاشته و توانسته باشد جذب مرید و یار کند از طرفی هر انسانی آشکارا می‌داند رهیدن از انواع بدبختی و دستیابی به فلاح و رستگاری، بدون تنه زدن به یک سلسله امور مهمی / ناپایدها، و تن دادن به یک سلسله امور مثبت و پایدها، ممکن نیست. لذا همه مدعیان هدایت انسان‌ها، دعوت خویش را بر پذیرش یک سلسله الزامات و تکالیف، بنا نهادند و هرگز مدعی نشدند رهیدن از بدبختی و رسیدن به خوشبختی خود بخود و بدون تحمل هیچ رنج و تلاشی محال است. البته در این مسیر مدعیان غیر صادقی بودند و هستند که تکالیف مدعی و ساده ای را به عنوان شیگرد جذب هر چه بیشتر، نسخه کرده رسمی کنند ولی پیامبر گرامی اسلام اساس رهیدن از هر نوع شقاوت و بدبختی و رسیدن به هر مرتبه‌ای از سعادت و خوشبختی را بر مقدار تلاش هر فرد گذارده و فرمودند: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ»^۱ «وَأَنْ لِّیْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»^۲

۱. هر کسی در گرو دستاورد خویش است. سوره مدثر /آیه ۳۸

۲. و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست. سوره نجم /آیه ۳۹

و، «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ^۱
با توجه به این نکات باید گفت: «هر انسانی با پذیرش یا رد هر
دعوت و مکتبی و نیز با تن دادن یا تنه زدن به الزامات آن، چهره ای
مثبت یا منفی پیدا می کند و ما در این نوشتار در مقام ترسیم چهره مثبت
انسان با محوریت کتاب آسمانی قرآن هستیم.

انسان ستمگر

چنانچه انسانها به انحاء مختلف قابل تقسیم اند، ولی در یک نگاه کلی
به دو دسته «مست و منفی» یا «خوشبخت و بدبخت» تقسیم می شوند و
این اختصاص به ستمگر اندیشه ای خاص ندارد بلکه بر اساس رویکرد
همه مدعیان هدایتی چنین تقسیمی وجود دارد چنانچه در کتاب آسمانی
قرآن چنین آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ
الْأَرْشَادَ أَلَمْ تَكُم نَفْسٌ إِلَّا بِآذْنِهِ فَمَنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ»^۲
(روزی چون بیاید هیچکس جز به اذن او حرفی نمی زند پس
(گروهی) از آنها بدبخت و سیه روز و (عده ای دیگر) خوشبخت و
سعادتمند اند.)

چنانچه صاحب کتاب «عالم قیامت» تحت عنوان «روسفیدان

۱. پس هر که هموزن ذره ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید و هر که هموزن
ذره ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید. سوره زلزله/ آیه ۷ و ۸
۲. سوره هود آیه ۱۰۵، «وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ. ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ. وَوَجُودٌ يَوْمَئِذٍ غَیْبَةٌ. نَرَاهَا قَتَرَةٌ. أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجْرَةُ» صورت هایی در آن روز گشاده و نورانی
است خندان و منور است و چهره هایی در آن روز غبار آلودند در سیاهی فرو
رفته اند اینان کافران و فاجرانند. (سوره عبس / آیات ۳۸ الی ۴۲)

سعادت‌مند و روسیاهان شقاوت‌مند» می‌گوید: «انسان‌های مؤمن و نیکوکردار در قیامت به واسطه اعمال نیک خود نورانی و رو سفید محشور می‌شوند و خرسندی و موفقیت در چهره آن‌ها موج می‌زند.^۱

در سوره حدید آمده است: «روزی که مردان و زنان مؤمن را بینی که نورشان پیشا روی آنان و سمت راستشان شتابان است [گفته می‌شود] امروز شما را مژده باد به باغ‌هایی که فرو دستش جویباران روان است که در آنجا جاودانه‌اید این است رستگاری و کامیابی بزرگ». «روزی که مردان و زنان منافق را ببینی که پشت سرتان [دنیا] برگردید و [در آنجا] نور بجویید پس بین آنان یوانی بنا نهند که دری دارد از سوی درون رحمت و از سوی بیرون [منتهی به] عذاب است.»^۲

دسته دوم از انسان‌ها در قیامت شقاوت‌مندان هستند که البته صرف نظر از تفاوت‌هایی که به اقتضای اعمال با هم دارند همگی در یک مجموعه قرار گرفته‌اند و ویژگی همه آن‌ها این است که روسیاه و غمگین‌اند و از طریق مشاهده ظاهر آن‌ها می‌توان به مناسبت حالشان پی برد.

قرآن در آیاتی چند به تشریح وضعیت این عده در قیامت می‌پردازد و می‌فرماید: «[آن روز] بدکاران به سیمایشان شناخته شوند و بر سوی پیشانی آن‌ها را با پاهایشان بگیرند [و در آتش دوزخ افکنند] و انسانیکه مرتکب اعمال ناشایست شدند بقدر همان اعمال مرتکب شده مجازات

۱. عالم قیامت / صدری نیا، حسین، نشر سایه روشن، تهران ۱۳۹۴

۲. حدید / آیات ۱۲ تا ۱۴

خواهند شد و ذلت و خواری آن‌ها را فرا می‌گیرد و کسی نیست که آن‌ها را از عذاب خدا نگهدارد چنان پنداری که صورت سیاهشان شب ظلمانی است آنان اهل آتش‌اند و در آن همیشگی خواهند ماند^۱ و «چهره‌هایی که در آن روز غبار آلودند در سیاهی فرو رفته‌اند اینان کافران و فاجراند»^۲

البته لازمه تبدیل شدن به چهرگان مثبت در قرآن، انتخاب راه مستقیم است لذا در آیات قرآنی، همه طالبان سعادت، مأمور به درخواست آن از ایزد معانیت‌ناز چنانچه که نرسیدن به مقصد با انتخاب راه مستقیم احتمالش صفر است چنانچه در تفسیر «تسنیم» آمده است: «مصونیت صراط مستقیم از دستبرد شیطان به روشنی در قرآن کریم آمده است. شیطان پس از رانده شدن به خسارت گفت: رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لِأُزَيِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * إِنَّ عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلَصُونَ * قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ» (خدایا چون مرا گمراه کردی زشتی‌ها را در زمین برای انسان‌ها می‌آرایم و همه را به گمراهی می‌کشانم مگر بندگان مخلص تو را که نسبت به آنان تزیین و اغواء ندارم).

خداوند در پاسخ فرمود: خود عهده دار حفظ این را بوده به دست تو نمی‌سپارم^۳، و از طرفی انتخاب راه مستقیم سالک مستقیم را در کمترین زمان ممکن به مقصد و مقصود می‌رساند. چنانچه در تسنیم چنین آمده است: «کسی که صراط مستقیم را شناخت نزدیک‌ترین و

۱. سوره یونس / آیه ۲۷

۲. سوره عبس / آیات ۴۰ تا ۴۲

۳. جوادی آملی - عبدالله - تسنیم - جلد ۱. ص ۴۶۹

بهترین راه را دریافته است.^۱ و این همان حقیقتی است که در ادبیات قرآن همگان مأمور به رعایت آن‌اند «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ»^۲ و «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»^۳ و «وَلِكُلِّ وَجْهَةٌ هُوَ مُوْجِهَةٌ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۴

از حاد راه مستقیم جهت رسیدن به مقصد هم توأم با سرعت است و هم همراه با سبقت. «و سالکی که راه را با سرعت پیمود می‌تواند بر دیگران پیشی بگیرد» و سبقت او مزاحم سلوک دیگران نیست چرا که صراط مستقیم راهی است که پس اگر دیگران عالم، عادل و شجاع‌اند او می‌تواند اسلم، اشدن و اشجع باشد و آن کس که از دیگران سبقت گرفت شایسته امامت و رهبری است. از این رو دعای سابقین، به تعلیم قرآن این است: «و اجمعوا للفقین اماما»^۵ و محصول این امامت دستگیری از دیگر رهپویان صراط مستقیم است تا آنان نیز ابتدا اهل سرعت و سپس اهل سبقت شوند و سرانجام به امامت و پیشوایی

۱. جوادی آملی - عبدالله - تسنیم - جلد ۱، ص ۴۸۸

۲. بشتابید به سوی مغفرت پروردگار خود و به سوی بهشتی که پهنای آن همه آسمان‌ها و زمین را فرا گرفته و مهیا برای پرهیزکاران است. آیه ۱۲۳ سوره آل عمران

۳. سوره بقره / آیه ۱۴۸

۴. و برای هر کسی قبله ای است که وی روی خود را به آن [سوی] می‌گرداند پس کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید هر کجا که باشید خداوند همگی شما را [به سوی خود باز] می‌آورد در حقیقت خدا بر همه چیز تواناست. سوره بقره / آیه ۱۴۸

۵. سوره فرقان / آیه ۷۴

پرهیزکاران دیگر برسند.

خلاصه سخن اینکه: در خواست هدایت به «راه مستقیم» متضمن این پیام است که رسیدن به مقصد از راه غیر صحیح و غیر مستقیم نه تنها مقبول بلکه مقدور نیست چرا که مگر می‌شود به حسب ضرب المثل مروف «شیشه کثیف را با دستمال کثیف پاک کرد؟» و شعار «هدف وسیله را توجیه می‌کند» تنها برازنده اندیشه ماتریالیستی است که مقصد غایی و زیبایی خویش را در ماده و مادیستی جستجو می‌کند که از هیچ قداستی برخوردار نیست.

اما اینکه مقصد از «راه مستقیم چیست؟» در آیه ۷ سوره حمد آمده است «راه کسانی که مشاء نعمت خداوندند.» و اما اینکه چه کسانی مشمول نعمت خاص خداوندند؟

در آیه ۶۹ سوره نساء و ۵۱ سوره مریم چنین آمده است: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رِجَالًا»

(کسانی که از خدا و پیامبرش پیروی کنند نعمت یافتگان همراهانند و آنان پیامبران، صدیقان، شهیدان، و صالحانند و این سالکان، آنان نیکویند).

پس مراد از «الَّذِينَ أَنْعَمَ عَلَيْهِم» این چهار گروه‌اند که خداوند به آنان نعمت «نبوت»، «صدق»، «شهادت»، «صلاح» را عطاء کرده است و از حسن رفاقتشان این است که آنان رهروانی آگاه‌اند و در پیمودن راه موفق و هرگز همسفران خود را تنها نگذاشته، از آنان غافل نمی‌شوند بلکه دست همسفران خود را گرفته از عقبه‌های دشوار و لغزشگاه‌های صعب

العبور به سلامت می گذرانند.^۱

مرحوم علامه طباطبائی در بیان «صراط مستقیم» و تفاوت آن با «سبیل» می گوید: «در قرآن کریم کراراً نام «صراط» و «سبیل» برده شده است اما هرجا اسمی از «صراط مستقیم» به میان آمد بصورت وحدت بوده است. یعنی همه جا سخن از یک «صراط مستقیم» است در حالیکه «سبیل» متعددی به خداوند نسبت داده شده است مانند این آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»^۲ و باز ملاحظه می شود که خداوند «صراط» را نیز در آیه «صراط الذین انعمت علیهم» به غیر خود نسبت نداده است در حالیکه «سبیل» را به افراد مختلفی از مخلوقات نسبت داده است مانند آیات زیر: «إِنَّ هَذَا سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَنَاءُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»^۳، «وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَى وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ مَوْذُونٍ لَّئِنَّهُ مَا تَوَلَّى وَتُصْلِيَ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا»^۴ «وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى تَشْرِكِ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ

۱. جوادی آملی - عبدالله - تسنیم - جلد ۱ ص ۵۲۰

۲. ترجمه: (کسانیکه در راه ما مجاهدت کنند ایشان را به راه حق و آتی خود هدایت می کنیم.) سوره عنکبوت / آیه ۲۹

۳. ترجمه: (بگو این است راه من که من و هر کس پیروی ام کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می کنیم و منزّه است خدا و من از مشرکان نیستم) سوره یوسف / آیه ۱۰۸

۴. ترجمه: (و هر کس پس از آنکه راه هدایت برای او آشکار شد با پیامبر به مخالفت برخیزد و [راهی] غیر راه مؤمنان در پیش گیرد وی را بدانچه روی خود را بدان سو کرده واگذاریم و به دوزخش کشانیم و چه بازگشتگاه بدی است) سوره نساء / آیه

فَلَا تُطْغِهِمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَىٰ تَبَّٰلُغِ الْمَرَجِّ فَمَنْ يَكُنْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ^۱ از این آیات استفاده می‌شود که منظور از «سبیل» غیر از «صراط مستقیم» است.

و با اشاره به آیه «فَلَا جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ * يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ ابْتِغَىٰ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۲ می‌فرماید: این آیه اولاً اشاره می‌کند که اختلاف «سبیل‌ها» ناشی از اختلاف حال بندگانی است که از آن‌ها، سیر می‌کنند. در حقیقت «صراط مستقیم» همواره یکی است و ثانیاً به طور ضمنی می‌فرماید که «سبیل‌های مختلف» بالاخره به «صراط مستقیم» منتهی شده و آن‌ها به رستگاری می‌رسند و از طرفی آیه «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ»^۳ می‌فرماید که شرک با ضلال و گمراهی ملازم است و

۱. ترجمه: (اگر تو را وادارند تا در باره چه کاری را بدان دانشی نیست به من شرک ورزی از آنان فرمان مبر و [لی] در دنیا با تیری آنان معاشرت کن و راه کسی را پیروی کن که توبه کنان به سوی من بازمی‌گردد) «سوره نجات» بازگشت شما به سوی من است و از [حقیقت] آنچه انجام می‌دادید شما را با خبر خواهم کرد (سوره لقمان / آیه ۱۵)

۲. ترجمه: (قطعاً برای شما از جانب خدا روشنائی و کتابی روشنگر آمده است * خدا هر که را از خشنودی او پیروی کند به وسیله آن [کتاب] به راه‌های سلامت رهنمون می‌شود و به توفیق خویش آنان را از تاریکی‌ها به سوی روشنائی بیرون می‌برد و به راهی راست هدایتشان می‌کند) سوره مائده / آیه ۱۵ و ۱۶

۳. ترجمه: (و بیشترشان به خدا ایمان نمی‌آورند جز اینکه [با او چیزی را] شریک می‌گیرند) سوره یوسف / آیه ۱۰۶

ممکن است تا حدودی با ایمان (یکی از سیل‌ها) آمیخته شود یعنی «سیل» می‌تواند با شرک مخلوط گردد اما «صراط مستقیم» با شرک جمع نمی‌گردد زیرا خداوند فرمود «و لا الضالین»

با دقت در مجموع این آیات روشن می‌شود که هر یک از «سیل‌های» سوی خدا دارای یک نوع کمال و یک نوع نقص است اما «صراط مستقیم» هیچگونه نقصی ندارد. همچنین هر یک از سیل‌ها با دیگران اختلاف دارد در حالیکه «صراط مستقیم» با هر یک از آنها متحد است از این نظر روح و جامع آنهاست چنانکه از بعضی آیات استفاده می‌گردد مانند: «وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»^۱ «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»^۲ در این دو آیه دیر و بادت را که در تمام سیل‌ها وجود دارد جزء صراط مستقیم شمرده است و در واقع نسبت «صراط مستقیم» به «سیل‌ها» مانند نسبت روح به بدن است...

خلاصه اینکه «صراط مستقیم» حافظ و جامع تمامی سیل‌ها و راه‌ها به سوی خداست در واقع هر سیلی به مقصدی که از حقیقت صراط مستقیم برخوردار است انسان را به خدا می‌رساند در حالیکه «صراط مستقیم» بدون هیچ قید و شرط انسان را به خدا می‌رساند به همین جهت است که خدا آن را با این نام خوانده است، زیرا «صراط» فقط به راهی روشن گفته می‌شود و ماده اصلی آن به معنی «بلعیدن» است گویا چنان

۱. ترجمه: (و اینکه مرا بپرستید این است راه راست) سوره یس / آیه ۶۱

۲. ترجمه: (بگو آری پروردگار مرا به راه راست هدایت کرده است دینی پایدار آیین

ابراهیم حق‌گرای و او از مشرکان نبود) سوره انعام / آیه ۱۶۱

رهروان خود را در خود فرو می‌برد که احتمال هر گونه، انحراف و خروج از جاده را درباره آنان معدوم می‌سازد «مستقیم» هم در لغت به کسی یا چیزی گفته می‌شود که از روی قدرت و تسلط برپای خود می‌ایستد یعنی بر خود و آنچه مربوط با اوست تسلط کامل دارد.

در نتیجه به آنچه همواره بر یک حال قایم است گفته می‌شود روی این نظر «صراط مستقیم» راه روشن است که دائماً رهروان خود را به مقصد می‌رساند. و صاحب تفسیر «تسним» تحت عنوان «معنا و مصداق صراط مستقیم» می‌گوید: «معنای «صراط مستقیم» همان «راه استقامت» و در برابر «راه اعوجاج» است. معوج آن است که همواره با تخلف و اختلاف است و صراط مستقیم راهی است که از این دو آسیب مصون باشد. اما مصداق صراط مستقیم از نظر قرآن کریم همان «دین قیم» است. «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»^۱

دین قیم دینی است که خود ایستاده است و دیگران را نیز برپا می‌دارد و سرّ این که از دین قیمتی که همان «صراط مستقیم» است به «ملت ابراهیم» یاد می‌شود و دین به روش او نسبت داده می‌شود این است که برجسته‌ترین روش را در ابراهیم خلیل (ع) ارائه کرده است و «حنیف» به معنای کسی است که در متن راه حرکت می‌کند و در مقابل «جنیف» و

۱. ترجمه: (بگو آری پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده است دینی پایدار آیین

ابراهیم حق‌گرای و او از مشرکان نبود)

«متجانب» یعنی کسی که به راست و چپ گرایش دارد.^۱ قرار می گیرد. اما اینکه راه های وصول و دستیابی به صراط مستقیم چیست؟ در قرآن کریم آمده است «وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۲ اعتصام به خدا (دین و کتاب) مایه هدایت به صراط مستقیم است. حرکت کردن در مسیر دین و در چار چوب کتاب آسمانی، قطعاً انسان را به صراط مستقیم هدایت می کند چنانچه از واژه (فقد) همین استفاده می شود و نیز «عبادت و بندگی حق» مایه هدایت به «صراط مستقیم» است.

بلکه بالاتر، عبادت حق خود «صراط مستقیم» است نه هادی به صراط مستقیم، چنانچه خداوند می فرماید «إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوا هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»^۳ «وَأَنْ عِبَادُنِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»^۴ همانگونه که عبادت و بندگی حق، مسیر رسیدن به مقام «نبوت» هم است (اشهدا أن محمداً عبده و رسوله).

۱. جوادی آملی - عبدالله - تسنیم - جلد ۸، ص ۴۶۶

۲. ترجمه: (و چگونه کفر می ورزید با اینکه آیات خدا بر شما خوانده می شود و پیامبر او میان شماست و هر کس به خدا تمسک جوید قطعاً به راه راست هدایت شده است) سوره آل عمران/آیه ۱۰۱

۳. ترجمه: (در حقیقت خداست که خود پروردگار من و پروردگار شماست پس او را بپرستید این است راه راست) سوره زخرف/آیه ۶۴

۴. ترجمه: (و اینکه مرا بپرستید این است راه راست) سوره یس / آیه ۶۱